

De-escalation by the Israeli Regime in Confrontation with the Ideological Approach, Geopolitical Weight, and Soft Power of the Islamic Republic of Iran in West Asia Security Equations

Mohsen Jamshidi¹ , Ahmad Shohani², Tajoldin Salleheyani³

¹ Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
(Corresponding author). mosenmd16@yahoo.com

² Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran. Ahmadshohani51@pnu.ac.ir

³ Department of Middle East and North African Studies, University of Ilam, Ilam, Iran.
t.salehiyan@gmail.com

Abstract

One of the most significant areas that has drawn the attention of regional studies analysts is the de-escalation strategy of the Israeli regime and the proactive role of the Islamic Republic of Iran in the security equations of West Asia. The central research question is: How has the Israeli regime designed its regional strategy in West Asia to confront the programs of the Islamic Republic of Iran? It appears that Israel's de-escalation, implemented through both overt and covert diplomacy, has been designed and executed to counter Iran's proactive role and the use of strategic components defined by Iran within its sphere of influence in regional security equations. This study is theoretical-applied in nature and employs a qualitative document-based methodology with a descriptive-analytical approach. The aim of the research is to identify Iran's status and position in the regional security equations of West Asia in response to Israel's programs and de-escalation efforts. Findings indicate that Iran, through proactive engagement and utilization of strategic components—including an ideological approach, geopolitical weight, and soft power defined within its sphere of influence—has sought to neutralize the rival axis strategy, namely that of the Israeli regime, by strengthening its capabilities, managing regional crises, and maintaining active tactical mobility.

Keywords: West Asia Region, Abraham Accords, Soft Power, Geopolitical Weight, Israeli Regime, Security Equations.

Cite this article: Jamshidi, M., Shohani, A. & Salleheyani, T. (2025). De-escalation by the Israeli Regime in Confrontation with the Ideological Approach, Geopolitical Weight, and Soft Power of the Islamic Republic of Iran in West Asia Security Equations. *Iranian Political Research*, 12(2), p. 115-133.

Received: 2025/03/11 ; **Received in revised form:** 2025/04/04 ; **Accepted:** 2025/05/19 ; **Published online:** 2025/07/11

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در تقابل با رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا

محسن جمشیدی^۱، احمد شوهانی^۲، تاج‌الدین صالحیان^۳

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

mosenmd16@yahoo.com

^۲ گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Ahmadshohani51@pnu.ac.ir

^۳ گروه مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. t.salehiyan@gmail.com

چکیده

از مهم‌ترین محورهای که از منظر مطالعات منطقه‌ای، توجه قاطبه تحلیلگران را به خود معطوف نموده، تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی و نقش‌یابی فعال جمهوری اسلامی ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا بوده است. سوال این است که، استراتژی رژیم صهیونیستی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا برای تقابل با برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران چگونه طراحی شده است؟ به نظر می‌رسد تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در قالب دیپلماسی آشکار و پنهان، در راستای تقابل با نقش‌یابی فعال و استفاده از مولفه‌های راهبردی تعریف شده از طرف جمهوری اسلامی ایران در منطقه نفوذ این کشور، در معادلات امنیتی غرب آسیا طراحی و اجرا شده است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی، از نوع نظری- کاربردی بوده و روش انجام آن مطالعه اسنادی (کیفی) مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی است. شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا در برابر برنامه‌ها و تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در منطقه، هدف طرح این پژوهش است. یافته‌ها نشان می‌دهند که، ایران با نقش‌یابی فعال و استفاده از مولفه‌های راهبردی از جمله رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم که در محور نفوذ برای خود تعریف نموده، با قدرت‌سازی، مدیریت بحران منطقه‌ای و تحرک تاکتیکی فعال، سعی در خنثی‌سازی استراتژی محور رقیب یعنی رژیم صهیونیستی داشته است.

کلیدواژه‌ها: منطقه غرب آسیا، توافقنامه صلح ابراهیم، قدرت نرم، وزن ژئوپلیتیک، رژیم صهیونیستی، معادلات امنیتی.

استناد به این مقاله: جمشیدی، محسن؛ شوهانی، احمد؛ صالحیان، تاج‌الدین (۱۴۰۴). تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در تقابل با رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۲(۲)، ص ۱۱۵-۱۳۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

محیط منطقه‌ای غرب آسیا از جمله مناطقی است که دو مقوله انرژی و امنیت نقش مرکزی از تحولات آن هستند. خاورمیانه زمانی به دلیل نفت، انرژی، نفوذ کمونیسم و کشورهای متحد اسرائیل، اهمیت استراتژیکی برای آمریکا داشت؛ اما امروزه دیگر در حوزه نفت و انرژی که آمریکا خود صادرکننده است، در بحث نفوذ کمونیسم هم با فروپاشی سیستم دوقطبی و تبدیل به تک-چندقطبی و همچنین بهار عربی و از بین رفتن ایده‌های کشورهای پان عرب منطقه همچون صدام و قذافی، دیگر تهدید محسوب نمی‌شود. در زمینه صلح منطقه هم با پیمان صلح ابراهیم، کشورهای عربی یکی پس از دیگری به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کردند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۹۸). ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ^۱ (دوره اول ریاست جمهوری) تلاش‌های زیادی را برای شکل‌دهی به یک ائتلاف جدید در غرب آسیا بکار گرفت، تا ضمن تقویت موقعیت خود در منطقه، زمینه‌های تضعیف قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد. انعقاد پیمان صلح ابراهیم یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ترامپ بود. هرچند ارتباط مستقیم رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه خلیج فارس به بیش از دو دهه پیش می‌رسد و عمان و قطر اولین کشورهایی بودند که در سال ۱۹۹۶ با تأسیس دفاتر تجاری در پایتخت‌های خود، روابط تجاری مستقیمی با این رژیم برقرار کردند؛ ولی کشورهای امارات متحده عربی و بحرین، روابط خود با رژیم صهیونیستی را در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ با امضاء توافقنامه صلح عمومی موسوم به پیمان ابراهیم عادی‌سازی کردند. این توافقنامه، حاکمیت ملی طرفین را به رسمیت می‌شناسد و در مورد گشودن متقابل سفارتخانه‌ها اعلام موافقت می‌کند. همچنین ابعاد دیگری همچون سرمایه‌گذاری، امنیت، گردشگری و پروازهای مستقیم، فناوری، مراقبت‌های بهداشتی و نگرانی‌های زیست محیطی را نیز دربرمی‌گیرد (طالعی حور، ۱۴۰۲، ص ۸۷-۸۶). لذا، در تاریخ ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ ترامپ توافقنامه صلحی را اعلام کرد، که به عنوان توافقنامه صلح ابراهیم معروف است و در آن اسرائیل موافقت کرده است که در ازای عادی‌سازی روابط با امارات، برنامه‌های الحاق کرانه باختری را به حالت تعلیق درآورد. این سومین معامله‌ای بود که دولت یهودی پس از مصر و اردن با یک کشور عربی دیگر انجام داد (Gambrell & et al., 2020, p. 1-2). ایران با موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده راهبردی، یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه غرب آسیا است. عوامل مؤثر بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران اعم از عوامل ثابت یا متغیر، تاریخ، فرهنگ و سیاست، باعث شده تا در طول تاریخ به عنوان یک قدرت مهم و تأثیرگذار بر روندهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار آید و به همان میزان نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ

1. Donalld Teramp

واقع شده است. امریکا و رژیم صهیونیستی در پی گسترش و تقویت این ایده هستند که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در جهت مهار ایران و جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه‌ای آن دارای منافع مشترک می‌باشند. از این رو کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با آورده حمایت آمریکا، به محدود کردن ایران از طریق تشکیل ائتلاف‌های نظامی - امنیتی روی آورده‌اند، تا از نقش و تأثیرگذاری منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران جلوگیری نمایند (طالعی حور، ۱۴۰۲، ص ۸۶).

تش‌زدایی روابط رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا و نزدیک شدن به مرزهای ملی و بین‌المللی و همچنین تهدید امنیت و قدرت نرم ایران در معادلات منطقه غرب آسیا، ایران را با چالش اساسی مواجه نموده است. مسئله این است که جمهوری اسلامی ایران این تعارض را چگونه حل خواهد نمود؟ ایران به عنوان اصلی‌ترین قدرت بالقوه منطقه‌ای، خواستار ثبات و بومی‌سازی امنیت در محور و منطقه تحت نفوذ خود است و حضور قدرت‌های فرمانطقه‌ای دیگر در منطقه را مخالف امنیت و منافع خود ارزیابی می‌نماید. حال سوال این است که، استراتژی رژیم صهیونیستی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، برای تقابل با برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران چگونه طراحی شده است؟ به نظر می‌رسد تش‌زدایی رژیم صهیونیستی در قالب دیپلماسی آشکار و پنهان، در راستای تقابل با نقش‌یابی فعال و استفاده از مولفه‌های راهبردی تعریف شده از طرف جمهوری اسلامی ایران در منطقه نفوذ این کشور در معادلات امنیتی غرب آسیا طراحی و اجرا شده است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی، از نوع نظری - کاربردی بوده و روش انجام آن مطالعه اسنادی (کیفی) مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در آن است که تئوری‌پردازان و تحلیل‌گران در حوزه سیاست خارجی، معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را بیشتر و بهتر شناخته و با تأسی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ادبیات نظری (پیشینه پژوهش)

جدول ۱- پیشینه پژوهش

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
مصلی‌نژاد (۱۴۰۳)	بحران‌های منطقه‌ای، جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام	بحران‌های منطقه‌ای از جمله جنگ غزه، مهم‌ترین بحران دهه سوم قرن بیست و یکم بوده و نشانه‌هایی از تغییرات هویتی، تکنولوژیک و ژئوپلیتیکی بوده و این مسائل باعث تغییر نظم و موازنه قوای منطقه‌ای شده و آینده محیط پیرامونی ایران را با چالش‌هایی روبرو کرده است.

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
گنجیان و مقدم جعفری (۱۴۰۳)	تقابل سیاست خارجی ایران و آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تاکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده صادق)	ایران با اتخاذ استراتژی صبر راهبردی و داغ نمودن فضای منطقه‌ای توسط محور نفوذ خود (محور مقاومت) علیه بازیگران غیرهمسوی خود در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، به محدودسازی منافع و اتخاذ سیاست پانزی رقیب پرداخته است.
هاشمی و همکاران (۱۴۰۳)	سیاست‌گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات آمریکا در جنوب غرب آسیا	سیاست راهبردی ایران در مقابل کنش‌های منطقه‌ای، متأثر از کنش‌های سیستم بین‌الملل و همچنین متأثر از بازیگران منطقه‌ای طراحی و اجرا می‌شود. همچنین در این پژوهش شاخص‌های قدرت ملی دو کشور (آمریکا و ایران) در محیط منطقه‌ای غرب آسیا تحلیل و تفسیر شده است.
صفوی و همکاران (۱۴۰۳)	واکاوی ظرفیت‌های پیش‌برنده موجود در راستای ارتقای قدرت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (قوت‌ها و فرصت‌ها)	وزن ژئوپلیتیکی برتر در میان کشورهای منطقه در سیستم بین‌الملل، موجب می‌شود که کشور ایران منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در راستای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای به پیش ببرد.
جمشیدی و همکاران (۱۴۰۲)	پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران	تعارضات ایدئولوژیک ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا با موجودیت اسرائیل و ائتلافات غربی-عربی در منطقه و هرگونه حضور در محیط پیرامونی ایران، به معنای کاهش میزان قدرت و نفوذ موثر ایران تلقی شده و تهدیدی برای ایران در محور نفوذ به حساب می‌آید.
طالعی حور (۱۴۰۲)	جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا	الگوهای رفتاری دو کشور ایران و آمریکا در محیط بین‌الملل، طی چهار دهه گذشته کاملاً غیرهمسو و تعارضی بوده و دو کشور انواع الگوها را برای مقابله با هم امتحان کرده‌اند. دو کشور در محیط منطقه‌ای غرب آسیا نیز با اتخاذ استراتژی‌های مختلف درصدد مهار و کنترل هم بوده و تأثیر بازیگری این دو قدرت در محیط منطقه‌ای غرب آسیا کاملاً مشهود است.
رحمان (۲۰۲۱)	ظهور روابط شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل در تغییر خاورمیانه	هرچند توافقاتنامه‌های دیپلماتیک امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک پیشرفت در روابط به‌شمار می‌رود، اما خطوط ارتباطی و همکاری بین کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل چیز جدیدی نیست. چندین کشور در منطقه از جمله قطر، بحرین و عمان در دهه ۱۹۹۰ پس از امضای توافقاتنامه اسلو توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل، با اسرائیل ارتباط برقرار کردند.

بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که، کنش راهبردی ایران متأثر از بازیگری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی طراحی و اجرا می‌شود. بحران‌های منطقه‌ای در محیط ژئوپلیتیک غرب آسیا

نشانه‌هایی از تغییرات هویتی و تکنولوژیک را شامل شده، که این تغییرات باعث تغییر نظم و موازنه قوای منطقه‌ای گردیده است. اهداف ایدئولوژیکی و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان چهار راه مواصلاتی جهان و تعارض در الگوی رفتاری دو قدرت همانند امریکا و ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا و تاثیر استراتژی دو کشور در این محیط، کاملاً هویدا است. نوآوری پژوهش حاضر این است که، اولاً، تاثیر تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی بر سه مقوله رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم ایران تحلیل شده، ثانیاً، با نگاهی بدیع به موضوع و براساس تلفیق دو رویکرد در نظریه رئالیسم نوکلاسیک یعنی موازنه تهدید استفان والت^۱ و معمای امنیت جان هرتر^۲، استراتژی و اهداف رژیم صهیونیستی و ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا تفسیر گردیده و در این زمینه داده‌ها و یافته‌های قابل توجهی بدست آمده است.

۲-۲. مفاهیم پژوهش

- **منطقه غرب آسیا:** جهان اسلام به یازده منطقه جغرافیایی محدودتر شامل: جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا، آفریقای مرکزی و شبه جزیره عربستان تقسیم می‌شود. منطقه غرب آسیا که اساساً به عنوان مرکز ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی جهان اسلام از آن نام می‌برند، از چند منطقه ژئوپلیتیک مجزا شکل گرفته است. بر این اساس، پراکندگی کشورهای مسلمان در سه قاره و عدم پیوستگی و یکپارچگی این کشورها، باعث ایجاد تنوع و تفاوت‌های فاحشی در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای جهان اسلام شده است. بنابراین منطقه غرب آسیا از لحاظ جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار گرفته، به طوری که از ناحیه کشور ترکیه به اروپا، و از کشور مصر به آفریقا متصل است. در منطقه غرب آسیا دولت‌های قدرتمند به سمت یافتن تهدید خارج از کشور حرکت می‌کنند، در حالی که دولت‌های ضعیف بر سر امنیت با بازیگران فراملی رقابت دارند. چنین دولت‌هایی در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرند و گاهی با ورود بازیگران خارجی، دچار بحران می‌شوند (جعفری و کلانی، ۱۴۰۳، ص ۱۰).

- **توافقنامه صلح ابراهیم:** توافقنامه صلح ابراهیم نخستین توافق صلح بین اعراب و رژیم صهیونیستی نیست، اما با این حال متفاوت از توافقاتی پیشین مانند توافقنامه‌های صلح اسرائیل-مصر (۱۹۷۸) یا اسرائیل-اردن (۱۹۹۴) که از آنها به صلح در برابر زمین یاد می‌شود، هستند. این پیمان در واقع توافقنامه‌هایی دوجانبه‌اند که تهدیدات امنیتی ناشی از خطر ایران را برطرف می‌کنند. در

1. Estephan Wallte

2. Jan Hertz

واقع این پیمان هدف مهم‌تر و کلانتری را دنبال کرده و به دنبال کنترل بنیادی قدرت ایران است. بنابراین، ایجاد ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در اطراف ایران، تبدیل آمریکا به یک حمایت‌کننده و متحد قوی برای کشورهای منطقه در قبال ایران، فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در جنوب غرب آسیا، مساعدت با کشورهای عرب منطقه در برداشت هرچه بیشتر از منابع سوخت زیرزمینی، اعمال محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین ممانعت از تعامل ایران با کشورهای منطقه و... از جمله موارد تأثیرگذار در چارچوب این ائتلاف‌ها است که هر یک از آنها تحدید ایران را به دنبال خواهد داشت (طالعی حور، ۱۴۰۲، ص ۸۷-۸۶).

- معمای امنیت: معمای امنیت اولین بار توسط جان هرتر در مقاله‌ای با عنوان «بین‌الملل‌گرایان آرمانگرا و معمای امنیتی» مطرح گردید. او در آن مقاله معمای امنیتی را اینچنین تعریف می‌کند: گروه‌ها یا افراد تحریک می‌شوند که به منظور در امان ماندن از تأثیر قدرت دیگران، میزان بیشتر از قدرتی را کسب نمایند. نظریه معمای امنیتی یک نظریه کاملاً خوش‌بینانه سیاست بین‌الملل می‌باشد. این نظریه استدلال می‌کند زمانی که دفاع بر تهاجم مزیت دارد، جنگ‌های بزرگ می‌توانند ملغی شوند. علاوه بر این، احتمال رقابت‌های تسلیحاتی و جنگ می‌تواند گاهی اوقات از طریق کنترل تسلیحاتی با دقت طراحی شده، کاهش یابند. مطابق این نظریه، سهولت نسبی حمله و دفاع (توازن تهاجم-دفاع) اصولاً از طریق دولت غالب در زمینه فناوری، در زمان معین تعیین می‌گردد (جمشیدی و سعیدی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۲۰۵).

- قدرت نرم: از نگاه جمهوری اسلامی ایران، قدرت همچنان در معنای سخت آن تفسیر شده و به توانایی حفظ تمامیت ارضی و سرزمینی تعبیر می‌شود. در شرایط فعلی اقتصاد، دیپلماسی و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش زیادی در فرایند قدرت‌یابی و امنیت‌سازی کشورها ایفا می‌کند. با عنایت به شرایط جدید و متحول بین‌المللی، تأمین این دو مؤلفه یعنی قدرت و امنیت، در بسیاری از موارد نیازمند همکاری بین‌المللی و مشارکت سازنده و گسترده است. تحت چنین شرایط است که برخی کشورها در شرایط کنونی سعی دارند، از یک رویکرد همکاری‌جویانه و مشارکتی جهت دستیابی به قدرت و امنیت پیروی کنند. ایران می‌بایست با عنایت به شرایط جدید بین‌المللی، رویکردی هوشمندانه را اتخاذ نماید و دو مؤلفه قدرت و امنیت (شامل سخت و نرم) را همزمان در ابعاد مختلف آن ترکیب نمایند؛ زیرا مقابله با چالش‌های جدید، اتخاذ رویکردی جامع و فراگیر برای حل و فصل یا مدیریت آنها می‌طلبد (جمشیدی و حیدری، ۱۴۰۳، ص ۲۱).

- وزن (قدرت) ژئوپلیتیک: وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از عوامل موثر مثبت و منفی در قدرت ملی یک کشور و به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی. وزن ژئوپلیتیک رابطه مستقیمی با منزلت

ژئوپلیتیک کشور در سیستم منطقه‌ای و جهانی دارد؛ یعنی هرچه وزن ژئوپلیتیک بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور نیز بیشتر خواهد بود (صفوی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۹). مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی، نقش ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها دارند. در این میان یکی از مناطق ژئوپلیتیک مهم پیرامونی ایران، منطقه نفوذ ایران است. آنچه در منطقه رخ می‌دهد، بر منافع ایران تأثیرگذار است. داشتن شناخت مناسب در سیاست خارجی، توانایی لازم را برای حفظ و تقویت منافع ملی ایران در محور تحت نفوذ فراهم می‌کند. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که آن را به مناطق مختلف و زیرسیستم‌های مختلف هویتی - سیاسی در سطوح منطقه‌ای وصل می‌کند. لذا، ایران نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است. هر کدام از این زیرسیستم‌ها به نوعی پارادایم‌هایی را از لحاظ سیاسی - امنیتی و توسعه در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار می‌دهند (جمشیدی و سعیدی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۲۰۹).

۲-۳. چارچوب نظری: رئالیسم نئوکلاسیک (موازنه تهدید و معمای امنیت)

نئوکلاسیک‌ها ضمن تأکید بر محوریت قدرت، معتقدند که گزینه‌های سیاست خارجی توسط رهبران سیاسی واقعی خلق شده و دقیقاً به همین دلیل، برداشت آن‌ها از قدرت نسبی از اهمیت فراوانی برخوردار است و لذا منابع فیزیکی و کمی قدرت به تنهایی دخیل نیستند. نظریه‌پردازان رئالیسم، نئوکلاسیک را به دو بخش تهاجمی و تدافعی تقسیم نموده‌اند. اصطلاح رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی را اولین بار جک اسنایدر^۱ در کتاب (افسانه‌های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه‌طلبی بین‌المللی) به کار برد (برزگر و تابع افشار، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

۲-۳-۱. موازنه تهدید استفان والت^۲

استفان والت به عنوان نظریه‌پرداز رئالیسم تدافعی، با ارائه نظریه موازنه تهدید، سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. محقق نشدن فرضیه قوا علیه هژمون بالقوه امریکا پس از جنگ سرد، والت را در جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد، تا اینگونه بتواند گره کور واقع‌گرایی را بگشاید. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید، بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سمت توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند. والت بر این عقیده است که دولت‌ها با تهدیداتی مواجه هستند که تعادل ایجاد کرده و همه قدرت‌های خارجی را تهدید می‌کند و آنچه به ضرورت تعادل می‌انجامد، وجود ثبات خصمانه و به عبارتی

1. Jack Esnyder

2. Estephan Wallet

تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. به طور کلی می‌توان اصول و مفاهیم اصلی نظریه موازنه تهدید از نظر والت را اینگونه دسته‌بندی کرد:

الف) دولت‌ها در برابر طرف‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید به‌شمار می‌روند. ب) تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت، زمانی که تهدیدی احساس شد، کشورها یا می‌کوشند در برابر آن توازن ایجاد کنند؛ یا اینکه به کشور تهدیدکننده بپیوندند. ج) هر اندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. یعنی شکل‌گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک، رابطه مستقیم دارد (Wallt, 1978, p. 15-14). لذا، از نظر والت، تهدید از قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوز پیشه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد که موجب ایجاد توازن شوند. نیت تجاوزکارانه یک کشور خاص تمایل به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۲۹-۱۲۸).

۲-۳-۲. معمای امنیت جان هرتر^۱

طرح معمای امنیتی در روابط بین‌الملل بیش از جنبه‌های عینی، به رویکردهای ذهنی می‌پردازد. هرتر می‌گوید: گروه‌ها یا افراد، نگران امنیت خود در برابر مورد حمله قرار گرفتن، مقهور شدن، تحت سلطه درآمدن یا نابود شدن توسط دیگر گروه‌ها یا افراد هستند. آنان در تلاش برای دست یافتن به امنیت در برابر این نوع حملات، ترغیب می‌گردند که برای در امان ماندن از تأثیر قدرت دیگران، به قدرت بیشتر و بیشتری دست یابند. این به نوبه خود دیگران را بیشتر نگران امنیت خود می‌کند و آنها را وامی‌دارد خود را برای بدترین حالت آماده کنند (جمشیدی و سعیدی‌نژاد، ۱۳۹۹، ص ۲۰۵). جرویس معنای معمای امنیتی را اینگونه تشریح می‌نماید: افزایش امنیت یک دولت، کاهش امنیت سایرین را در پی دارد. یا به عبارت دیگر، بسیاری از ابزارهایی که دولت‌ها به منظور افزایش امنیت خود از آن استفاده می‌نمایند، می‌تواند امنیت سایر دولت‌ها، حتی امنیت قدرت‌های امنیت‌طلب را کاهش

1. Jan Hertz

دهد. در معمای امنیتی، بازیگران حفظ وضع موجود را به هزینه‌ها و خطرات ناشی از دنبال نمودن توسعه‌طلبی ترجیح می‌دهند. معمای امنیت رویکردی است که می‌تواند یک دید تنوریک برای پاسخ به سوال نیات دولت ایران از سیاست خارجی خود در منطقه، ارائه دهد. معمای امنیت (موازنه تهاجم- دفاع) مدعی است که سهولت نسبی حمله یا دفاع، اغلب نقش مهمی در ایجاد بی‌ثباتی و جنگ در سیاست بین‌المللی ایفا می‌کند. این رویکرد استدلال می‌نماید که منازعات بین‌المللی و جنگ، زمانی محتمل‌تر هستند که عملیات‌های نظامی- تهاجمی نسبت به عملیات‌های تدافعی مزیت داشته باشند و احتمال همکاری و صلح نیز زمانی که دفاع دارای مزیت است، بیشتر می‌باشد (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

۲-۳-۳. موازنه تهدید و تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا

از نظر استفان والت، هر اندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به طور کلی شکل‌گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک، رابطه مستقیم دارد. عادی‌سازی روابط کشورهای مانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سال‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود. اما این روند طی سال‌های اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به خود گرفت. دیدار نتانیاهو از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشنگتن تحت عنوان «صلح ابراهیم» در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ گواهی بر این ادعا می‌باشد. در همین رابطه امارات سومین کشور عربی پس از مصر و اردن است که اقدام به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با تلافی کرده است. در این راستا، آمریکا متعهد شده ۵۰ جت اف ۳۵ به دولت امارات، به رهبری شاهزاده زاید بن نهیان، بفروشد. همچنین قرار است امارات صاحب تعدادی پهپاد ساخت ژنرال اتمیکس شود. بحرین نیز از این الگو تبعیت کرده و جداگانه اقدام به عقد قرارداد تسلیحاتی با آمریکا نمود. هدف بحرین از این کار فراهم آوردن امنیت علیه قیام‌های مردمی است (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲ الف، ص ۱۳۵-۱۳۳).

۲-۳-۴. معمای امنیت و نقش‌یابی ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا

جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا تنها درصدد حصول، حفظ و پیشبرد منافع خود نیست، بلکه با تأسیس یک رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای که از آن تحت عنوان محور مقاومت یاد می‌شود، به دنبال حصول، حفظ و پیشبرد منافع خود و متحدان است (جمشیدی و سعیدی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۲۰۸). علت اصلی شکل‌گیری رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای ایران از نیمه سال ۲۰۰۳ به بعد که از آن تحت عنوان محور مقاومت یاد می‌گردد، معمای امنیتی

(دفاع- تهاجم) ناشی از حضور امریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا می‌باشد. ایران با هدف مقابله با پیامدهای حضور محور رقیب در منطقه و این معمای امنیتی، مبادرت به تشکیل رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عربی سوریه، حزب الله لبنان، گروه‌های چندگانه تشکیل‌دهنده الحشد الشعبی عراق، حوثی‌های یمن، جنبش صابرين، جنبش جهاد اسلامی و حماس در فلسطین نموده است. برای روشن شدن این مسئله بایستی توجه داشت که، ممکن است دولت A به منظور افزایش امنیت خود نسبت به خرید جنگنده، تانک، موشک و ... اقدام نماید. در اینجا یک سؤال مهم بر ذهن متبادر می‌گردد: هدف دولت A از بزرگ نمودن ارتش و ساز و برگ نظامی خود چیست؟ آیا می‌خواهد قدرت بیشتری را کسب نماید؟ یا می‌خواهد امنیت خود را تضمین کند؟ این سؤال یک دوراهی در ذهن ایجاد می‌کند، که به آن معمای امنیت (موازنه تهاجم- دفاع) گفته می‌شود (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲ ب، ص ۱۳۷-۱۳۶).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی، از نوع نظری- کاربردی بوده و روش انجام آن مطالعه اسنادی (کیفی) مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی است. برای تدوین و تحلیل اطلاعات از تلفیق چارچوب نظری موازنه تهدید استفان والت و معمای امنیت جان هرتر استفاده شده است. هدف این پژوهش شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا در برابر برنامه‌ها و تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در این منطقه می‌باشد. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در آن است که تئوری پردازان و تحلیل‌گران در حوزه سیاست خارجی، معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را بیشتر و بهتر شناخته و با تأسی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه غرب آسیا

صلح مادرید در دهه ۱۹۹۰ سکوی پرتابی برای آغاز دیپلماسی مخفی رژیم صهیونیستی با اعراب حاشیه خلیج فارس در دو شاخه دیپلماسی تسلیحاتی و دیپلماسی امنیتی بود. پس از برقراری روابط رسمی و آشکار رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای جهان، دیپلماسی این رژیم به دو سطح آشکار و پنهان تقسیم شد. با پایان جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی، مسأله چگونگی مقابله با تأثیرات مخرب بقای این رژیم و یا پذیرش مشروط آن، به یکی

از دغدغه‌های کشورهای منطقه تبدیل شد. با آغاز روند سازش اعراب و رژیم صهیونیستی، در گام اول مصر و اردن به برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی مبادرت ورزیدند. پس از گذشت چهار دهه از قرارداد صلح رژیم صهیونیستی و مصر در ۱۹۷۹ و همچنین گذشت بیش از دو دهه از معاهده صلح رژیم صهیونیستی و اردن در سال ۱۹۹۴، امارات متحده عربی سومین کشور عربی است که به برقراری روابط رسمی با اسرائیل اقدام کرد. برقراری روابط رسمی دوجانبه ریشه در همکاری‌های پنهان و نیمه‌آشکار این دو بازیگر منطقه‌ای داشته است (Haaretz, 2020, p.1-2).

الف) دیپلماسی آشکار: روابط اقتصادی آشکار رژیم صهیونیستی و شرکای اروپایی، آمریکایی و آسیایی آن بر پایه صادرات مواد شیمیایی و کالاهای صنعتی و پزشکی است. رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۱۰۹ میلیارد دلار صادرات داشته و توانسته است این رقم را در سال ۲۰۱۹ به ۱۱۴ میلیارد دلار برساند. رژیم صهیونیستی هشتمین صادرکننده بزرگ تسلیحات در جهان است. فروش تسلیحات رژیم صهیونیستی از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و در ابتدا کشورهای آسیایی بیشترین خریدار آن بودند. پس از سال ۲۰۰۰ عمده خریداران تسلیحات این رژیم از سه قاره آسیا، اروپا و آمریکا بوده‌اند. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ رژیم صهیونیستی ۳ درصد از صادرات تسلیحات جهان را از آن خود ساخته بود. ۳ کشور بزرگ واردکننده تسلیحات رژیم صهیونیستی هند ۴۵ درصد، آذربایجان ۱۷ درصد و ویتنام با ۹ درصد هستند (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹، ص ۴).

ب) دیپلماسی پنهان: هدف از دیپلماسی پنهان برقراری پنهانی روابط سیاسی و نظامی - اطلاعاتی با کشورهای عربی و غیرعربی منطقه غرب آسیا جهت مهار ایران و محور مقاومت است. راهبرد دیپلماسی پنهان از ۱۹۴۸ تا دهه حاضر، سه موج مختلف را در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تجربه کرده است: موج اول دیپلماسی پنهان سیاسی، عمدتاً در بین اعراب منطقه غرب آسیا و به طور خاص مصر و اردن جریان داشت. موج دوم دیپلماسی پنهان، نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز بود. موج سوم دیپلماسی پنهان، رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس عملیاتی شده است. هدف از عملیاتی ساختن این منطقه در موج سوم دیپلماسی پنهان، نقش مکمل‌کنندگی آن در پیوندسازی با موج دوم جهت مهار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. مقابله با محور مقاومت با استفاده از هم‌افزایی اطلاعاتی و سیاسی با اعراب حاشیه خلیج فارس، محور و ستون فقرات موج سوم دیپلماسی پنهان را تشکیل می‌دهد (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹، ص ۵).

۴-۲. نقش ایالات متحده آمریکا در تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه

ایالات متحده به عنوان يك هژمون جهانی، خواهان گسترش نفوذ در مناطق سوق الجیشی و مهم جهان است تا از این طریق به منافع و اهداف بلندمدت خود دست یابد. ترامپ رئیس جمهور آمریکا،

بعد از توافقنامه صلح ابراهیم، در توییتر خود نوشت: «موفقیت بزرگ امروز، توافقنامه صلح تاریخی بین دو دوست بزرگ ما، اسرائیل و امارات متحده عربی! اکنون که یخ شکسته شده است، انتظار دارم که کشورهای عربی و مسلمان بیشتری راه امارات متحده عربی را دنبال کنند. اسرائیل و امارات برای راه‌اندازی یک دستور کار استراتژیک برای خاورمیانه، برای گسترش همکاری‌های دیپلماتیک، تجاری و امنیتی با آمریکا همراه خواهند بود (Wootliff, 2020, p.1).

۴-۳. مولفه‌های نقش‌یابی ایران برای خشی‌سازی سیاست‌های رژیم صهیونیستی در معادلات امنیتی غرب آسیا

از شاخص‌های اصلی سیاستگذاری راهبردی ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا، تحرک تاکتیکی است. تحرک تاکتیکی (نقش‌یابی فعال) در شرایطی شکل می‌گیرد که نشانه‌هایی از تهدید در محیط منطقه‌ای وجود داشته باشد. محور اصلی تحرک تاکتیکی را معادله قدرت، بازدارندگی و بهره‌گیری از انرژی نیروهای منطقه‌ای فراهم می‌سازد. تحرک تاکتیکی ایران توانست زمینه لازم برای کاهش تهدیدات امنیت ملی علیه جمهوری اسلامی، محیط منطقه‌ای و بازیگران هویتی را فراهم سازد (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۰).

الف) رویکرد ایدئولوژیک: ایران در جایگاه محور اصلی تعارض در برابر شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای هژمون محور قرار گرفته و تقابل‌گرایی ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی میان آمریکا و ایران، از این مقطع زمانی گسترش یافت. با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی در بعد منافع ملی، منابع قدرت ایران در حوزه سیاستگذاری خارجی و سیاست‌های منطقه‌ای همواره از دو عامل مهم تاثیر پذیرفته‌اند: واقعیت ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک. سیاست خارجی ایران در صورتی ایدئولوژیک می‌باشد که صرفاً از ایدئولوژی شیعی و پویای خود به منظور دستیابی به اهداف مشخص شده سیاست خارجی استفاده نماید. گرچه سیاست خارجی ایران بیشتر تحت تاثیر ایدئولوژی قرار دارد، اما عملکرد آن با توجه به نیازهای سیاسی- امنیتی و منافع ملی کشور، تحت تاثیر ملاحظات عمل‌گرایانه نیز قرار می‌گیرد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۱ الف، ص ۹۰).

ب) وزن (قدرت، کد) ژئوپلیتیک: جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌های به وجود آمده، با توجه به ظرفیت‌های داخلی و حوزه پیرامونی از کد ژئوپلیتیک خود همیشه استفاده می‌نماید. طبیعی است که کد ایران نمی‌تواند یک کد داخلی و محلی باشد. یعنی به حوزه منطقه‌ای خود توجهی نداشته و صرفاً به مسائل داخلی بپردازد. با توجه به سابقه تمدنی ایران، وسعت کشور، جمعیت مناسب، منابع قابل توجه، قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک، حوزه نفوذ پیرامونی، همسایه‌های متعدد، نزدیکی به بازارهای مصرف انرژی و... باید کدی منطقه‌ای داشته باشد که اتفاقاً در برنامه چشم‌اندازی که قبلاً

نیز تدوین شده، با چنین رویکردی به ایران نگریسته شده است. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در میان دو منطقه با دو منطق متفاوت قرار گرفته: آسیا در مفهوم کلی خود با منطق ژئواکونومیک و خاور میانه (غرب آسیا) با منطق ژئوپلیتیک. هرچه درگیری‌های ژئوپلیتیک و امنیتی غرب آسیا بیشتر می‌شود، ضرورت چرخش به سوی ساختارهای ژئواکونومیک آسیایی نیز افزایش می‌یابد. لذا، این چرخش پارادایمی به معنی رها کردن نفوذ منطقه‌ای ایران نیست؛ چون در واقعیات ژئوپلیتیک، حضور ایران در غرب آسیا را برای حفظ امنیت ملی کشور حیاتی ساخته است (جمشیدی و حیدری، ۱۴۰۳، ص ۲۰).

ج) قدرت نرم: همان‌گونه که تنش‌زدایی در روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی غرب آسیا انعکاس داشته، شکل جدیدی از ائتلاف را می‌توان در روابط ایران و گروه‌های مقاومت نیز جستجو نمود. محور اصلی ائتلاف‌یابی ایران و بازیگران منطقه‌ای را موضوع هویت تشکیل می‌دهد. هرگونه هویت‌یابی را می‌توان به مثابه بخشی از معادله سیاست قدرت (قدرت نرم) در عصر موجود دانست. ائتلاف‌های هویتی به عنوان بخشی از ضرورت سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. در شرایط فعلی، اقتصاد، دیپلماسی و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای نقش زیادی در فرایند قدرت‌یابی و امنیت‌سازی کشورها ایفا می‌کند. در شرایط بین‌المللی جدید، کشورها نیازمند ترکیب ابعاد مختلف قدرت برای پیشبرد اهداف و منافع خود هستند و تأکید بر بعد سنتی قدرت و امنیت و نادیده انگاشتن ابعاد جدید آن، منافع و اهداف بلندمدت کشور را به مخاطره می‌اندازد. از این‌رو ایران می‌بایست با عنایت به شرایط جدید بین‌المللی، رویکردی هوشمندانه را اتخاذ نماید و دو مؤلفه قدرت و امنیت (شامل سخت و نرم) را همزمان در ابعاد مختلف آن ترکیب کند؛ زیرا مقابله با چالش‌های جدید، اتخاذ رویکردی جامع و فراگیر برای حل و فصل یا مدیریت آنها می‌طلبد (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۳، ص ۳۵).

۴-۴. تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی (پیمان ابراهیم) و تاثیر آن بر نقش‌یابی فعال ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا

منطقه استراتژیک خلیج فارس و محیط امنیتی غرب آسیا به عنوان منطقه «خارج نزدیک» در خط اول راهبرد دفاعی - امنیتی ایران قرار دارد. ویژگی‌های این منطقه به گونه‌ای است که همزمان فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را برای منافع و امنیت ملی و منطقه‌ای و قدرت نرم ایران به همراه می‌آورد. این منطقه منبع اصلی درآمد ارزی ایران حاصل از صدور منابع انرژی (نفت و گاز)، نقطه اصلی تجارت و راه‌های ارتباطی با جهان آزاد و به طور سنتی نقطه شروع روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است. به همین اندازه نیز نقطه اصلی آسیب‌پذیری دفاعی - امنیتی، سیاسی و اقتصادی ایران به شمار می‌رود (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). به نظر می‌رسد خریدهای تسلیحاتی کشورهای منطقه‌ای غرب آسیا، در

راستای تنش‌زدایی با رژیم صهیونیستی و مستقیماً با هدف تهدید و مقابله با ایران و جلوگیری از قدرت نرم این کشور در محور تحت نفوذ، خریداری می‌شود. آمریکا تنها در یک هفته بعد از انتخاب دونالد ترامپ به سمت ریاست جمهوری، قراردادهایی با مجموع ۳۳ میلیارد دلار برای فروش جنگنده و انواع تسلیحات به امیرنشین‌های همسایه جنوبی ایران در خلیج فارس را نهایی کرد. مایک پومپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا، روز سه‌شنبه بیستم آبان ۱۳۹۹ رسماً فروش تسلیحاتی کشورش به امارات شامل پنجاه فروند جنگنده اف-۳۵ را به کنگره اطلاع داد. وزارت دفاع آمریکا همچنین از معاملات فروش جنگنده به عربستان (رقیب استراتژیک ایران در منطقه نفوذ) و قطر خبر داد. بنابراین، پیمان ابراهیم توافقنامه‌هایی دوجانبه‌اند که تهدیدات امنیتی ناشی از خطر ایران را برطرف می‌کنند. در واقع این پیمان هدف مهم‌تر و کلاتری را دنبال کرده و به دنبال کنترل بنیادی قدرت ایران و نقش‌یابی فعال آن در معادلات امنیتی غرب آسیا است. ایجاد ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در اطراف ایران، تبدیل آمریکا به یک حمایت‌کننده و متحد قوی برای کشورهای منطقه در قبال ایران، و فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در جنوب غرب آسیا، همگی در راستای جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر ایران طراحی می‌شوند (طالعی‌حور، ۱۴۰۲، ص ۸۷).

۴-۵. جنگ غزه و معادلات امنیتی غرب آسیا

یکی از دلایل اصلی تداوم جنگ اسرائیل علیه گروه‌های فلسطینی و مردم غزه را می‌توان در عدم انسجام کشورهای جهان اسلام برای مقابله و بازدارندگی در برابر سیاست و اقدامات رژیم صهیونیستی دانست. انگاره بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس در دوران‌های مختلف تاریخی و در ارتباط با اسرائیل، ماهیت عمل‌گرایانه داشته است. چنین رویکردی به مفهوم آن است که هرگونه عمل‌گرایی در حوزه سیاست منطقه‌ای نیازمند کنش همکاری‌جویانه بازیگرانی است که از انسجام برخوردارند. جنگ غزه ماهیت منازعات منطقه‌ای را تغییر داد و سطح جدیدی از نظامی‌گری را اجتناب‌ناپذیر ساخت. این امر قراردادهای مربوط به فروش جنگ‌افزارهای نظامی را به میزان قابل توجهی ارتقاء داد. جنگ غزه بیانگر این واقعیت بود که عدم تقارن، واقعیت اجتناب‌ناپذیر امنیت‌سازی منطقه‌ای در غرب آسیا خواهد بود. در این فرآیند، سیاست امنیتی و راهبردی رژیم صهیونیستی و آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، ماهیت چندبُعدی، خوشه‌ای و تصاعدی‌بنده پیدا کرد (مصلى‌نژاد، ۱۴۰۳، ص ۳۷).

۴-۶. نقش‌یابی فعال ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا (موازنه تهدید)

موازنه تهدید برای کشورهای منطقه‌ای در برابر اقدامات مربوط به قدرت‌های بزرگ، طبعاً دارای

مخاطرات اقتصادی، امنیتی و اجتماعی خواهد بود. چگونگی پیوند اینگونه مخاطرات با قابلیت‌های اقتصادی کشورها، می‌تواند زمینه اقدام متقابل ایران یا هر بازیگر دیگری در برابر تهدیدات را به وجود آورد. موازنه تهدید شکلی، دفاع تاکتیکی محسوب می‌شود که کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران با سطح قدرت منطقه‌ای، قادر خواهند بود تا نقش موثری در برابر سازوکارهای کنش قدرت‌های بزرگ و محور رقیب ایفا نمایند. نقش‌یابی فعال، مبتنی بر سازوکارهایی است که کشورها می‌خواهند امنیت ملی و منطقه‌ای خود را از طریق معادله قدرت کنترل نمایند. نقش‌یابی فعال جمهوری اسلامی ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا، براساس ضرورت‌های بازیگری منطقه‌ای شکل می‌گیرد. ایران همواره تلاش دارد تا زمینه لازم برای حداکثرسازی قدرت ایدئولوژیکی - ژئوپلیتیکی خود را فراهم آورد. در چنین شرایطی امریکا و رژیم صهیونیستی از سازوکارهایی که در اختیار دارند از جمله: تنش‌زدایی با همسایگان ایران، جنگ نیابتی، استقرار در محیط منطقه‌ای، آشوب‌سازی، درگیرسازی بازیگران منطقه‌ای و ائتلاف‌های ضدایران، استفاده می‌نماید (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۰).

۵. نتیجه‌گیری

تنش‌زدایی روابط رژیم صهیونیستی به عنوان اصلی‌ترین رقیب منطقه‌ای (دشمن) با کشورهای منطقه غرب آسیا و نزدیک شدن به مرزهای ملی و بین‌المللی و همچنین تهدید امنیت و قدرت نرم ایران در معادلات منطقه غرب آسیا، ایران را با چالشی اساسی مواجه نمود. ایران به عنوان اصلی‌ترین قدرت بالقوه منطقه‌ای، خواستار ثبات و بومی‌سازی امنیت در محور و منطقه تحت نفوذ خود است. بنابراین، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای دیگر در منطقه نفوذ خود را مخالف امنیت و منافع خود ارزیابی می‌نماید. تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی در قالب دیپلماسی آشکار و پنهان، در راستای تقابل با راهبرد جمهوری اسلامی ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا طراحی و اجرا شده است. افزایش حضور نظامی - اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در اطراف مرزهای جنوبی ایران، یکی از تبعات عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی است. محور اصلی نقش‌یابی فعال ایران در معادلات امنیتی غرب آسیا، ماهیت امنیت‌محور دارد، که با استفاده از مولفه‌های راهبردی که برای خود تعریف نموده، از جمله رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم، به ایفای نقش می‌پردازد. این نقش‌یابی در راستای موازنه تهدید می‌تواند قابل تحلیل باشد. موازنه تهدید در شرایطی محور اصلی کنش تاکتیکی و راهبردی کشورها قرار می‌گیرد که نشانه‌هایی از تهدید فراگیر وجود داشته باشد. لذا، بازیگران براساس ادراک خود از محیط منطقه‌ای، به ایفای نقش می‌پردازند. در شرایط تهدید، هر کشوری ناچار است تا با سازوکارهای همکاری متقابل با طیف جدیدی از بازیگران همراه شود. جمهوری اسلامی ایران از این سیاست برای محدودسازی الگوی کنش متقابل در برابر اقدامات رژیم

صهیونیستی و آمریکا در معادلات امنیتی غرب آسیا استفاده می‌کند. کشورهایی که با نشانه‌هایی از احساس تهدید غیرواقعی روبه‌رو شوند، عموماً از سازوکارهای کنش متقابل دقیق بهره نخواهند برد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهند که، جمهوری اسلامی ایران با نقش‌یابی فعال و استفاده از مولفه‌های راهبردی از جمله رویکرد ایدئولوژیک، وزن ژئوپلیتیک و قدرت نرم، که در محور و منطقه نفوذ برای خود تعریف نموده است، با قدرت‌سازی، مدیریت بحران منطقه‌ای و تحرک تاکتیکی فعال، سعی در خنثی‌سازی استراتژی محور رقیب یعنی رژیم صهیونیستی داشته است. بنابراین، ایران برای مقابله و خنثی‌سازی معمای شکل گرفته، بایستی یک توازن جدید مبتنی بر توازن امنیت را طرح و پیاده‌سازی نماید.

منابع

- آجیلی، هادی؛ رضایی، نیما (۱۳۹۷). رئالیسم تدافعی و تهاجمی چهارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخداد‌های خلیج فارس. *امنیت ملی*، ۸(۲۷)، ص ۲۳-۱.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. *روابط خارجی*، ۱(۱)، ص ۱۴۳-۱۲۱.
- برزگر، کیهان؛ تابع افشار، ساناز (۱۳۹۵). رئالیسم نئوکلاسیک و سیاست خارجی امریکا؛ تحلیلی نظری بر فهم سیاست خارجی ایالات متحده. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۸(۴۷)، ص ۵۶-۳۴.
- جعفری، سید اصغر؛ کلانی، حمید (۱۴۰۳). ظرفیت‌ها و چالش‌های ایجاد سازمان پیمان دفاعی کشورهای اسلامی غرب آسیا. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۳(۴۹)، ص ۲۳-۱.
- جمشیدی، محسن؛ حیدری، نصرت‌الله (۱۴۰۳). ابزارهای نوین راهبرد سیاست خارجی ایران در دنیای پسابرجام و نظم چندوجهی موجود در سیستم بین‌الملل (موقعیت ژئوپلیتیک، سیاست‌های منطقه‌ای، قدرت هوشمند). *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵۸، ص ۲۶-۱۳.
- جمشیدی، محسن؛ سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۳۹۹). بین‌الملل‌گرایی تهاجمی ایالات متحده امریکا و طرح معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با این تئوری در منطقه غرب آسیا. *امنیت ملی*، ۱۰(۳۷)، ص ۲۷۸-۲۴۹.
- جمشیدی، محسن؛ سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۴۰۰). نظم نوین جهانی و رویکرد ایدئولوژیکی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران (طرح معمای امنیتی دفاع- تهاجم) و قدرت نرم این کشور در منطقه نفوذ سیاست دفاعی، ۳۰(۱۲۷)، ص ۲۲۱-۱۹۹.
- جمشیدی، محسن؛ فتاحی، شهرام؛ صدیق، میرابراهیم (۱۴۰۱ الف). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه). *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۱(۲۳)، ص ۹۹-۷۷.
- جمشیدی، محسن؛ فلاحتی، سارا؛ ایدی، محمد (۱۴۰۱ ب). راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا (جو بایدن) ۲۰۲۴-۲۰۲۰ در منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر مدیریت راهبرد (سیاسی - دفاعی) جمهوری اسلامی ایران در محور نفوذ. *بحران‌پژوهی جهان اسلام*، ۹(۲۶)، ص ۹۷-۱۱۷.
- جمشیدی، محسن؛ فلاحتی، سارا؛ ایدی، محمد (۱۴۰۲ الف). پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۲(۲۹)، ص ۱۴۳-۱۲۱.
- جمشیدی، محسن؛ فلاحتی، سارا؛ فتاحی، شهرام (۱۴۰۲ ب). راهبرد نظامی - امنیتی آمریکا در غرب آسیا در هزاره جدید و معمای امنیتی ایران برای مقابله با آن. *سیاست دفاعی*، ۳۲(۱۲۵)، ص ۱۵۷-۱۳۳.
- صفوی، سید یحیی؛ کمالی، محمدرضا؛ الهامی، امیرحسین؛ غلامعلیان، علیرضا (۱۴۰۳). واکاوی ظرفیت‌های پیش‌برنده موجود در راستای ارتقای قدرت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (قوت‌ها و فرصت‌ها). *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، ۲۲(۵۹)، ص ۲۶-۵.
- طالعی حور، رهبر (۱۴۰۲). جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا. *مطالعات راهبردی امریکا*، شماره ۳، ص ۱۰۰-۷۳.

- عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۹). *عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی: پیامدهای سیاسی، امنیتی و نظامی*. پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۴ شهریور، کد خبر ۱۰۴۷، ص ۲۳-۱.
- گنجیان مقدم، علیرضا؛ جعفری، علی اکبر (۱۴۰۳). تقابل سیاست خارجی امریکا- ایران در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تاکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده صادق). *محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۸(۲۸)، ص ۴۶-۹.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۴۰۳). بحران‌های منطقه‌ای، جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام. *بحران‌پژوهی جهان اسلام*، ۱۱(۳۳)، ص ۵۳-۳۰.
- هاشمی، سید تقی؛ متقی، ابراهیم؛ کشیشیان سیرگی، گارینه (۱۴۰۳). سیاست‌گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات امریکا در جنوب غرب آسیا (۲۰۲۱-۲۰۰۱). *علوم سیاسی*، ۲۷(۱۰۵)، ص ۳۸-۱۰.
- Gambrell, Jon, Matthew, L. & Federman, J. (2020). President Trump says UAE to open diplomatic ties with Israel. *The Washington post*. URL= https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/president-trump-says-uae-to-open-diplomatic-ties-with-israel/2020/08/13/fe655a12-dd74-11ea-b4f1-25b762cddb4_story.html.
- Haaretz, H. (2020). *Israeli Arms Exports Up 77 Percent, Saudi Arabia Is World's Biggest Importer, Report Shows*. URL= <https://www.haaretz.com/israel-news/report-israeli-arms-exports-up-77-percent-saudi-arabia-is-world-s-biggest-importer-1.8657539>.
- Rahman, O.H. (2021). *The emergence of GCC-Israel relations in a changing Middle East*. *Brookings*. URL= <https://www.brookings.edu/articles/the-emergence-of-gcc-israel-relations-in-a-changing-middle-east/>
- Wallt, S.M. (1978). *Alliance Formation and the Balance of World*. URL= <https://www.jstor.org/stable/2538540>
- Woolf, R. (2020). In historic declaration, Israel and United Arab Emirates agree to normalize ties. *Times of Israel*. URL= <https://www.timesofisrael.com/in-historic-declaration-israel-and-united-arab-emirates-agree-to-normalize-ties>.